



تسریع

نشریه گفتمان انقلاب اسلامی | بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام
سال یازدهم | شماره ۲۶۸ | ۳۱ تیر ماه ۱۴۰۲ | شب پنجم محرم ۱۴۴۵

- ۱ • اِنَّا فَتَحْنَا
- ۲ • محرم، ماه حیات اسلام
- ۲ • بادست های کوچک
- ۴ • خلاصه سخنرانی شب سوم و چهارم محرم الحرام



اِنَّا فَتَحْنَا

احمدرضا شهریاری
علی رضایی

اتحاد؛ برای نابودی غده سرطانی

پرده اول: کتاب را می بندم. دو ساعتی شده که دارم کتاب می خوانم. چشمانم از خستگی قرمز شده و بدنم دیگر توانی ندارد. عینک ته استکانی ام را برمی دارم و به آشیخانه پناه می برم. یک لیوان چای گرم خوش عطر می ریزم و خودم را روی میز رها می کنم. گوشه ام را برمی دارم و بی حوصله پیامها را بالا و پایین می کنم.

-تجمع اعتراضی دانشجویان انقلابی در پی هتک حرمت به قرآن کریم

بی جهت خاطرات اوایل دانشجویی در ذهنم تداعی می شود. آن اوایل همیشه برایم سوال بود این دانشجوها چه می خواهند. تقی به توقی می خورد بیانیه صادر می کنند و راهی خیابان می شوند. من هم چند باری از این تجمعات رفته ام. به ذهنم فشار می آورم که ماحصل قبلیها را به خاطر بیاورم. واقعا چند بار حرف این دانشجوها شنیده شده. هر چه مرور می کنم به نتیجه نمی رسم. کی آب از آب تکان خورده و حرف دانشجو برای کسی اهمیت داشته. گوشه ام را روی میز می اندازم. ارکیدهای صورتی روی میز کم کم پژمرده شده. شب سوم محرم، بعد از مراسم مسجد ارکیده صورتی می دهند. **ادامه صفحه ۳**

به وزارت خارجه کشورهای ایران، ترکیه، اردن و امارات صورت گرفت. همچنین در عراق مردم با تجمع مقابل سفارت سوئد در بغداد ضمن اعتراض، اقدام به شکستن شیشه های سفارت و اخراج مقامات سوئدی کردند. در عربستان، افغانستان و پاکستان این اقدام توسط مقامات دولتی محکوم شد و سوئد در سطحی وسیع تهدید به تحریم اقتصادی از سوی کشورهای جهان اسلام شد. در سطح کلان هم این اقدام توسط اتحادیه اروپا، اتحادیه جهانی علمای مسلمان، شورای همکاری خلیج فارس و حتی از سوی پاپ فرانسیس محکوم شد. مقابله با این اقدام حتی در بعد فرهنگی هم دنبال شد. کشور عربستان تلاش کرد قرآن های ترجمه شده به زبان انگلیسی را در کنار دیگر هدایا، به حجاج اروپایی هدیه دهد و همچنین بسیاری از مؤسسات اسلامی اقدام به نشر معارف قرآن به زبان سوئدی کردند. این اقدامات باعث شد نخست وزیر سوئد از موضع اولیه خود عقب نشینی کرده و هر چند این اقدام را محکوم نکرد؛ ولی آن را ناپسند بداند. در مجموع می توان گفت که اقدامات کشورهای اسلامی در دفاع از قرآن مقدس باعث شد که جهان متوجه شود که مسلمانان بر سر مقدسات خود با کسی تعارف نداشته و هتاک را خواه شخص باشد یا کشور مجازات می کنند. **ادامه صفحه ۳**

۲۸ ژوئن ۲۰۲۳ سلوان مومیکا روبه روی مسجدی در مرکز استکهلم اقدام به پاره کردن و آتش زدن قرآن کرد. این اقدام شنیع و ناپسند او، در سایه حمایت پلیس سوئد و مجوز دادگاه

این کشور با توجیه آزادی صورت گرفت. اما این چه آزادی است؟ اهانت به مقدسات ۲ میلیارد مسلمان در جهان و حدود ۶۰۰ هزار مسلمان در سوئد چطور با آزادی مطابقت دارد؟ اعتراض و محکوم کردن این اقدام مومیکا که خود را در فضای مجازی با عناوینی نظیر نویسنده، آزادی خواه و ملحد معرفی کرده بود از همان روز تجمع آغاز شد. در حین این اقدام ناپسند وی و همراهانش جوانی اقدام به پرتاب سنگ به طرف وی کرد که پلیس سوئد این جوان را دستگیر کرد؛ اما مقابله با این اهانت به همین جا ختم نشد. پس از رسانه های شدن این نمایش افراط گرایانه و ضداسلامی در سوئد کشورهای اسلامی اقدامات گسترده ای را علیه این کشور صورت دادند. اقداماتی که ابعاد سیاسی و اقتصادی را در سطح دو جانبه و کلان در بر می گرفت. در بعد سیاسی، تنزل روابط دیپلماتیک و احضار سفیر و مقامات سیاسی سوئد

سرمقاله



حمیدرضا سلطانیان



امام روح الله | محرم، ماه حیات اسلام

شهادت سیدالشهدا، اسلام را زنده کرد، شهادت حضرت سیدالشهدا مکتب را زنده کرد. خودش شهید شد، مکتب اسلام زنده شد.

صحیفه امام، جلد ۸، صفحه ۱۲

علی یزدانی



با دست های کوچک روایت هیأت نوجوانان

عارف نظری

جلویش دراز...؟ که اون نوجوان سریع و باشوق میگفت پاپم را جلویش دراز نمی‌کنم. نفر بعد، وقتی مادرش در خانه دست تنهاست چکار میکنی؟ و... بحث سر احترام به والدین و همدلی شیرین درون خانواده‌ها بود. اما سخنرانی هم با روضه یاران وفادار امام حسین علیه السلام تمام شد. هنگام سخنرانی چند نوجوان از مداح جوان ما خواستند که اجازه مداحی داشته باشند، همراه با مداح. مداح هم قبول کرد و کار شروع شد. متنی که برای مداحی انتخاب شده بود بصورت چاپ شده کنارشان قرار گرفته بود. تقریباً نوجوانان شب‌های قبل متن را حفظ بودند. آن قسمت‌هایی را که فراموش کرده بودند هم از روی نوشته لب‌خوانی می‌کردند. مثل کسانی که امشب جدید آمده بودند و تازه داشتند با هیأت نوجوانان آشنا می‌شدند. یک همراهی و همدلی خاصی در خواندن متن بین نوجوانان و مداح حس می‌شد. اما در نهایت قسمت شیرین و مورد علاقه بچه‌ها. نمایشی که متفاوت‌تر از بقیه نمایش‌ها و تعزیه بود. نوجوانانه و جذاب. آدم فضایی داستان ما بعد از آمدن به کره زمین، با فضای محرم و حسینی آشنا و علاقه مند می‌شود.

سالن امتحانات و آزمون‌ها که معمولا برای دانشجویان و در عین حال خادمان، ممکن است خطرات جالبی نداشته باشند نیز کم‌کم جای دلنشینی برای خادمین ابا عبدالله شده بود. هر شب یک یا چند خاطره قشنگ به خاطرات ما اضافه میشد در این مکان. اما امشب، نوجوانان زودتر از شب‌های قبل آمده بودند، برخی همان دم در به سمت می‌دویدند و می‌پرسیدند حاج آقا اومدن؟ گذشت و گذشت تا حاج آقا آمدند. قرآن خوانده شد و سخنرانی شروع شد. بحث همدلی و اتحاد در خانواده‌ها بود. از همان آغاز سخنرانی حاج آقا، بچه‌ها به فاصله‌ی خیلی کمی با سخنران همراه می‌شدند. وسط سخنرانی با اجازه یا بعضی حتی خودجوش مطالبی که پیرامون سخنرانی بود یا خاطره‌ای داشتند را با هیجان خاصی می‌گفتند و سخنران مطالبشان را ضمیمه و اضافه می‌کرد به متن سخنرانی خودش. ناگهان سخنران که شور و ذوق بچه‌ها را دید، از بچه‌ها سوالی کرد و گفت کسانی که جواب را می‌دانند بیایند کنار من. پنج نفر از بین حدود شصت نفر انتخاب شدند. نفر اول، وقتی پدر از سر کار می‌اد و تو داری استراحت می‌کنی، پایت را

جهان بینی‌ها و مکاتب همانند موجودات زنده‌ای هستند که رشد و نمو دارند، رونق و رکود دارند، اوج و افول دارند و همانند گیاهی که برای رشد و بلوغ نیازمند حفاظت و نگهداری است به مراقبت و آبیاری نیاز دارند. چه بسیار مکاتبی که پس از طی دوران اوج خود نگیهان و باغبانی نیافته‌اند و آرام در آفتاب سوزان حوادث دوران سرخم کرده و خشکیده‌اند. اسلام اما، علاوه بر تفاوت شگرفی که در محتوای خود دارد در نگهبانان و میراث‌داران خود نیز بی‌مانند است. در زمان هجوم توفان خبائثت‌ها و عداوت‌ها به سمت نهال نوپای اسلام اگر نبود قیام حق طلبانه و اصلاح‌گرایانه ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام قطعاً امت اسلام قرن دوم خودش را نمی‌دید؛ اما سیدالشهدا علیه‌السلام طوری نهال مکتبش را با خون خود آبیاری کرد که نه تنها از شر مصائب سخت دوران حفظ شد؛ بلکه تا ابد این خون، خود حافظان و نگهبانان برای اسلام می‌پرورد تا آن را آبیاری کنند و این راه و مسلک زنده بماند و رشد کند و رشد بدهد. حال با گذر بیش از ۱۳ قرن، مکاتب مختلف آمده و هلاک شده‌اند؛ ولی اسلام همچنان قدرتمند و تنومند، برافراشته است و زنده‌تر و استوارتر از هر روز است. تحرک و زنده‌بودن اسلام چنان دشمنانش را مضطر کرده که با علم به واکنش جوشان امت اسلام و نتیجه معکوس در جوامع خودشان، باز هم تلاش می‌کنند با خاک پاشیدن به خورشید قرآن از ضربات سخت‌تر امت اسلام در ابعاد دیگر، از جمله میدان فلسطین، در امان بمانند. این لگدهای بدخواهان گرچه ما را آزرده می‌کند؛ اما خود قدرت و حیات اسلام را پس از قرن‌ها به اثبات می‌رساند، مکتبی که به‌وسیله شهادت سیدالشهدا علیه‌السلام زنده شد. چه‌بسا این همان تفسیر اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (بی‌تردید ما این قرآن را به‌تدریج نازل کرده‌ایم و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود) باشد. خداوند متعال به‌وسیله حسین علیه‌السلام مکتب انسانیت را نجات داد و به‌وسیله حسین علیه‌السلام آن را حفاظت می‌کند.

ادامه سرمقاله:

در کنار این حلاوت اتحاد مسلمین باید یادآور بیماری تلخ ۷۵ ساله شد. بیماری که ریشه آن در ۱۴ مه ۱۹۴۸ با اعلام استقلال رژیم صهیونیستی در جان جهان اسلام افتاد. به راستی چرا مسلمین در همان ابتدا از بیت المقدس که قبله‌ی اول آنها بود و فلسطین که جزء ممالک اسلامی بود آن طور که باید دفاع نکردند؟

وقتی به جنگ‌های اسرائیل و اعراب نظر می‌کنیم از عنوان این جنگ‌ها پاسخ خود را پیدا می‌کنیم. جنگی که در آن دفاع از اسلام و سرزمین‌های اسلامی با آن پشتوانه ایمانی و الهی، جای خود را به ملی‌گرایی و ناسیونالیسم عربی بدهد نتیجه‌ی مطلوبی نخواهد داشت. البته در این میان خودفروشی برخی از کشورهای عربی، کارشکنی‌های سازمان ملل و حمایت حامیان صهیونیست که کشورهای ابرقدرت آن زمان بودند را نمی‌توان نادیده گرفت، اما باید گفت اینها تنها حاشیه‌ی است و متن و اصل مطلب اتحاد کشورهای مسلمان بر پایه اسلام است. کما اینکه چند سال بعد حزب‌الله لبنان که یک گروه نظامی کوچک بود باتکیه بر عناصر اسلامی همان ارتش صهیونیستی را که چه‌بسا قدرت بیشتری هم گرفته بود، شکست داد.

امروز هم نابودی این غده سرطانی که ضعیف‌تر از همیشه است امکان‌پذیر است. اتحاد کشورهای اسلامی، حول مفاهیم و ارکان اسلام، در موارد مختلفی حلاوت موفقیت‌های بسیاری را ایجاد کرده است. ترک جنوب لبنان، عقب‌نشینی از غزه و پیروزی‌های مقاومت در کرانه باختری همه مسلمین را خشنود کرده است. همه مسلمانان امروز منتظر اتحاد همه‌جانبه کشورهای اسلامی برای مقابله ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، رسانه‌ای و فرهنگی با غده صهیونیستی در فلسطین هستند. بیت المقدس و سرزمین فلسطین که پاره تن مسلمین است روزی به مسلمین باز خواهد گشت و آن روز دیر نخواهد بود.

من آمد و یک نشریه سمت من گرفت. پوستر جلد نشریه با این تیتیر بود، آینده از آن اسلام است.

پرده سوم: خسته و کوفته پله‌ها را طی کرده و دم در می‌رسم. بسته را از پیک موتوری تحویل می‌گیرم و به اتاق می‌آورم. در راه به آقای فلانی زنگ می‌زنم و از او حسابی تشکر می‌کنم. بنده خدا ساعت دوازده روز جمعه چاپخانه را فقط برای ما باز کرده. کارمان را را انداخته، خدا کارش را راه بیندازد. بچه‌ها وقتی من را همراه بسته می‌بینند، جملگی برای کمک می‌آیند. به هرکس مقداری از کاغذها را می‌دهم و شروع می‌کنیم به تا کردن آن‌ها. دیشب ساعت حوالی دوازده شب بود که بعد از مراسم هیات، جلسه نشریه فتح داشتیم. هرکسی نظری داد و فکرهای مختلفی ردوبدل شد. بعد از کلی بحث، از بین موضوعات گفته شده، چندتا انتخاب شد و بچه‌ها داوطلب نوشتن متن‌ها شدند. بعد از اتمام جلسه، هرکسی دنبال کار خودش رفت. بعضی‌ها مشغول نوشتن شدند. بعضی‌ها هم کار طراحی نشریه و پوستر روی آن را بیگیری کردند.

جواد یکی از بچه‌های بااستعداد و هنرمند، حوالی ساعت ۲ شب، برای گفت‌وگو درمورد پوستر روی جلد آمد. یک ساعتی هم اینجا صحبت کردیم. ایده‌های مختلفی گفته شد. از سرو ایستاده و پرچم مجاله‌شده سوئد تا یک قرآن نورانی که مردم جهان به سمت آن حرکت می‌کنند و چندتا ایده‌ی دیگر. در نهایت، یکی از این‌ها انتخاب شد و رفت برای طراحی.

ساعت شش و هفت صبح بود که متن‌ها کم‌کم آماده شدند و بچه‌ها برابرم فرستادند. تازه بعد از این همه ماجرا، کار ویراستاری متن‌ها شروع شد. علی همان‌طور که پشت میز نشسته بود و مشغول اصلاح متن بود، خوابش برده بود.

کار تا کردن نشریه‌ها هم تمام شد. حدودا پانزده ساعت طول کشید. از اول ایده‌پردازی متن تا آماده شدن نشریه. عشق به قرآن، همه را این چند ساعت بیدار نگه داشت و باعث شد با تمام توان و وجود، کار کنند. آنجا که حرف عقیده است ضعف و خستگی حس نمی‌شود.

ادامه از صفحه ۱: گل‌ها را یک نفر نذر کرده. حاج آقا که دیشب روضه می‌خواند اشاره کرد مخدرات که احساس ترس و یأس می‌کردند، سر ابا عبدالله روی نیزه قرآن تلاوت می‌کرد. نمی‌دانم چرا ولی راه می‌افتم.

پرده دوم: لابه‌لای جمعیت کسل بعد از ظهر جمعه، با تکان‌های مترو تلوتلو می‌خورم. این جمعیت انگار هیچ حسی ندارند، خودشان را به دست مسیر سپرده‌اند. از ایستگاه مترو بالا می‌آیم و سمت خیابان می‌پیچم. انگار آفتاب کف آسفالت جان می‌کند. خیابان بوستان از دانش‌جویان یکدست مشکی‌پوش پر شده است. اینجا اما برعکس مترو جمعیت است که عنان مسیر را بدست گرفته. جمع شروع شده و دانشجویان و مردم بی‌وقفه شعار سر می‌دهند. حرارت هوا بسیار است، اما حرارت بچه‌ها بیشتر. قرآن‌هایی که بر دست دارند و تصاویر آقا و جالب‌تر از همه، مقواهای دست‌نویس بچه‌های انقلابی زیباست. یک نفر از پشت ماشین صوت پایین می‌پرد و چهارپایه‌ای را وسط جمعیت غم می‌کند.

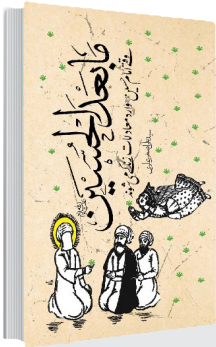
طلبه جوان روی پله سوم می‌ایستد. فریادهای آنتشین او شهید نواب صفوی را به ذهن متبادر می‌کند. حالا نوبت بیانیه است، به سه زبان فارسی، انگلیسی و عربی توسط خواهران قرائت میشود. با ذکر حیدر حیدر کم مانده است ستون‌های سفارت از جا کنده شود. آخرین سخنران حاج آقای قاسمیان آمدند.

بچه‌ها دم غیرت‌تان گرم، به برکت شماهاست که انقلاب پایدار مانده است. به خدا اگر شماها نبودید، مملکت را آب برده بود و مسئولین را خواب! ریشه‌ی همه‌ی این کارها مוסاد است. مسئولین باید اجتماع کشورهای اسلامی را شکل دهند تا رژیم صهیونیستی سقوط کند.

پلیس همیشه حاضر در صحنه دورتادور سفارت توره‌ای سبز دفاعی چیده است و پای آن خبردار ایستاده است. موتورها با لباس‌های سوسکی وارد صحنه می‌شوند، یک لحظه احساس ترس کردم ولی خودم بهتر می‌دانستم که این برادران برای امنیت ما آنجا آمده‌اند. رفت و آمد موتورها اینقدر زیاد شد که اکثر جمعیت در حال متفرق شدن بودند، مطالبه‌ی اصلی، اخراج سفیر سوئد بود. بین جمع، دانش‌جویی چند نشریه را زیر بغل زده بود. سمت



● برشی از کتاب " کتاب مابعدالحسین علیه السلام"
 اثری از: سیدعلی اصغر علوی



در قدیم برای نشان دادن ساحل نجات و خشکی از فانوس دریایی استفاده می‌شد. طوفان‌زدگان و گم‌شدگان از طریق این

نور خود را به ساحل می‌رساندند. برای کسی که گم شده و راه نمی‌داند، نشان دادن «هدف»، عامل شناخت سمت و سوی حرکت خواهد بود؛ اما کسی که هدف را بشناسد، به چیز دیگری هم نیاز دارد و آن «وسیله» رسیدن به هدف است.

برای شرح این نگاه از همان استعاره نبوی الهام می‌گیریم: برای کسی که در دریا گم شده، دو چیز مهم است:

اول. فانوس دریایی (مُضِیْخُ هُدًی) که نقش هدایت‌گری به سمت هدف را ایفا می‌کند. دوم. وسیله، که در این مثال همان کشتی (سَفِیْنَةٌ نَجَاتٍ) است.

و امام حسین (ع) هر دوی آن‌هاست: هم هدف است و هم وسیله! از طریق خودش باید به خودش رسید... خودش باید پرده‌ها را کنار بزند تا به نور برسیم! همه این سلوک را می‌توان زیر سایه خیمه‌اش در روضه و هیئت چشید.

به فطرت‌های زنده و آزاده یاد داده‌اند که تنها مسیر، اهل بیت (ع) هستند و بیت‌الغزل اهل بیت (ع) «حسین (ع)» بوده است و انگشت اشاره‌شان به سمت «کربلا». دو ویژگی در کربلا وجود دارد که آن را ممتاز کرده است و این پاسخی است به پرسش «چرا امام حسین؟ (ع)» که کشتی امام حسین (ع) به نسبت کشتی‌های نجات‌بخش دیگر دو ویژگی ممتاز دارد: وسیع‌تر است و سریع‌تر.

«كُنَّا سُفُنَ النِّجَاةِ وَ لَكِن سَفِیْنَةَ جَدِّی الْحُسَیْنِ أَوْسَعُ وَ أَسْرَعُ»

(همه ما اهل بیت کشتی نجاتیم؛ اما کشتی جدم حسین اوسع و اسرع است.)

. اوسع است: پس به همان نسبت، نظریاتی هم که از این آستان نشئت می‌گیرد و هدایت‌بخش و راهگشاست، «فراگیرتر» و «جهان‌شمول» تر است و انسان‌های بیشتری را در بر می‌گیرد.

۲. اسرع است: پس به همان نسبت، نظریاتی که به این عرصه مربوط شود، «سریع‌تر» و «روان‌تر» نتیجه می‌دهد و در عالم وجود انسان‌ها «کارا تر» و اثربخش‌تر است.



خلاصه سخنرانی شب سوم و چهارم محرم هیئت میثاق باشهدا

انسان وقتی برده می‌شود که از خواسته‌های اصیل خودش کوتاه می‌آید. ابلیس نمی‌گذارد ما خواسته‌های اصیل و عمیق خود را بفهمیم و در نهایت از آن صرف نظر می‌کنیم. خداوند متعال در قرآن رهایی را به عبارت‌های مختلف ترجمه می‌کند. یکی از عبارت‌ها این است که أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. آگاه باشید که دوستان خدا هرگز هیچ ترسی (از حوادث آینده عالم) و هیچ حسرت و اندوهی (از وقایع گذشته جهان) در دل آنها نیست. [سوره بونس آیه ۱۰] خدا می‌خواهد انسان را به این حد از رهایی برساند اما این انسان است که رهایی از ترس را نمی‌خواهد. می‌خواهد با غم و غصه‌های خودش زندگی کند. دنیا همت انسان را پست می‌کند. به جای اینکه دنبال رهایی بیشتر باشد هر روز بیشتر به سمت بردگی کشیده می‌شود. مسئله‌ی اول ما این است که واقعا رهایی را بخواهیم. انقدر خدا غضب می‌کند اگر خود را اسیر دیگری کنیم. این عالم، عالم رسیدن به رهایی است. رضایت دادن به هرگونه اسارت در عرصه اجتماعی حق الناس به گردن انسان می‌آورد چرا که هر نفری که اسارت را ببیزد در واقع سلاطین جور را تقویت کرده است. یکی از درس‌های مهم کربلا این است که مردم کوفه یک مقدار اسارت یزید و عبیدالله را قبول کردند و کارشان به جایی رسید که قاتل ابا عبدالله علیه السلام شدند. این نشان می‌دهد پذیرش اسارت چه جنایاتی را به دنبال خواهد داشت. کوچکترین اسارتی را خداوند تقبیح می‌کند. در قرآن می‌فرماید اَنْ اَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا

و الطَّاعُوتُ لذا دعوت به عبادت خدا با رهایی از سلطه طاغوت در کنار یکدیگر هستند. در عرصه فردی هم اگر به دنبال رهایی نباشی خودت زمینه گناه، کج فهمی و نابودی دلت را فراهم کرده‌ای. ما معتقدیم انسان مفطور به فطرت الهی است و خوب بدنیا می‌آید. اما چگونه انسان رذل می‌شود؟ در قدم اول از بلند همتی دست برمی‌دارد و از همه‌ی استعدادهای خدادادی خودش استفاده نمی‌کند در اصطلاح دینی قدم اول ناشکری است و مرتبه اول ناشکری این است که طالب رهایی و آزادی نیست. ترس‌ها و نگرانی‌های ما در این دنیا ناشی از عدم توکل است. توکل یعنی رها باش و به من بسپار. امام خمینی (ره) در چهل حدیث می‌فرمایند انسان دو بال دارد که بوسیله آن به قرب خداوند پرواز می‌کند. یکی از این دو بال راحت طلبی و دیگری رهایی طلبی است. وقتی به رهایی برسی به آرامش می‌رسی و در این آرامش، هیچان است. عالی‌ترین جلوه هیچان اشک است. ابا عبدالله الحسین علیه السلام می‌فرمایند من هر موقع پدرم امیرالمؤمنین علیه السلام را دیدم داشتند اشک می‌ریختند و گریه می‌کردند. رهایی یعنی رسیدن به یک سطح عالی از مشکلات. مشکلات در آن سطح، جور دیگری است، مشابه مشکلات و گرفتاری‌های روزمره‌ی ما نیست. مشکلات زمان ظهور با مشکلات امروز خیلی متفاوت است. سطح دیگری از مشکلات است و این تفاوت ناشی از رهایی است.

رجز انصار حسین علیه السلام

عَمْرُو بن قَرْظَةَ بن کعب انصاری از یاران امام حسین (علیه‌السلام) و از شهیدان کربلا است. جان و مال فدای امام حسین صلوات الله علیه باد.

